

پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 34, Spring & Summer 2024

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

صص ۲۷۹-۲۹۸ (مقاله پژوهشی)

واکاوی مبانی نظری اخباریان و تأثیر آن‌ها در قبول روایات تحریف به نقیصه قرآن

مریم قلی‌زاده پاشا^۱، عبدالهادی فقهی‌زاده^۲، محمود واعظی^۳، ملیحه السادات سیدرضا^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳)

چکیده

بررسی مسأله وقوع تحریف به نقیصه در قرآن، یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی است؛ زیرا با تحقق بیرونی اراده الهی در ابلاغ بزرگ‌ترین وحی‌نامه الهی، در پیوند است. همه فرق اسلامی به عدم وقوع تحریف به زیاده در قرآن باور دارند؛ با این‌همه، گروهی از حشویه اهل سنت و اخباریان شیعه، به تحریف به نقیصه معتقدند. اخباریانی مانند سید نعمت‌الله جزائری و میرزا حسین نوری که با توجه به دلالت روایات تحریف به نقیصه، درصدد اثبات عقیده خود، مبنی بر تحریف قرآن، برآمده‌اند. با بررسی مبانی اخباری‌گری از جمله: قطعی‌الصدور بودن روایات کتب اربعه، عدم حجیت ظواهر قرآن برای غیر معصوم، عدم حجیت روایات نبوی جز با تأیید معصومان علیهم‌السلام، بی‌نیازی به علم رجال جز هنگام تعارض و معتبر نبودن ادله عقلی در استنباط احکام، می‌توان به گرایش وافر اخباریان افراطی به احادیث و پذیرش سهل‌انگارانه آن‌ها در حوزه‌هایی مانند تحریف قرآن پی برد؛ غافل از آنکه جاعلان و غالیان، در جعل بسیاری از این روایات دست داشته‌اند و دلالت پاره‌ای دیگر از آن‌ها بر وقوع تحریف، محل اشکال است؛ آنچه شامل تفسیر و تأویل آیات است نیز به تحریف معنوی اشاره دارند و در نگاه این قبیل محدثان به غلط مبنای قول به تحریف قرار گرفته‌است. در پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی، نگرش اخباریان افراطی شیعه در خصوص تحریف به نقیصه، مورد بررسی قرار گرفته‌است و علل و زمینه‌های پذیرش روایات وقوع تحریف به نقیصه در قرآن کریم، تبیین شده‌اند.

کلید واژه‌ها: تحریف به نقیصه، اخباریان شیعه، اخباریان افراطی، روایات تحریف، مبانی نظری.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران؛ b.pasha@aol.com
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ faghhezad@ut.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ mvaezi@ut.ac.ir
۴. استادیار دانشکده اصول الدین تهران، تهران، ایران؛ seyyedreza.dr@yahoo.com

۱- بیان مسأله

از قرن یازدهم و دوازدهم هجری، مکتبی جدید با رویکردی تازه با عنوان «اخباریگری» در حوزه توجّه به روایات و اخبار یا به عرصه نهاد که با گرایش‌های علمای پیشین متفاوت بود. این مکتب فکری، از مبانی نظری خاصی از قبیل قطعی‌الصدور بودن روایات کتب اربعه، عدم حجّیت ظواهر قرآن برای غیر معصومان، عدم حجّیت احادیث نبوی مگر با تأیید معصومان علیهم‌السلام، عدم حجّیت ادلّه عقلی در استنباط احکام شرعی، عدم حجّیت اجماع و حرمت تقلید و اجتهاد، پیروی می‌کرد. «اخباریگری» در قرن یازدهم به دست محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۲) بنا نهاده شد و در قرن‌های یازدهم و دوازدهم بازتاب اجتماعی و سیاسی فراوانی یافت. استرآبادی در کتاب الفوائد المدنیّة، به تحریف به نقیصه قرآن اشاره کرد. سپس، سیّد نعمت‌الله جزایری در کتابهای «منبع الحیاة» و «الأنوار النعمانیّة» به روایات این حوزه پرداخت؛ چنان‌که میرزا حسین نوری در کتاب «فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب»، روایاتی مبنی بر تحریف قرآن (۱۱۲۲ روایت) جمع‌آوری کرد و به دنبال آن، اتهام قول به وقوع تحریف به نقیصه، به علمای شیعه نسبت داده شد و در پی آن هجمه‌هایی به شیعیان صورت گرفت و تفرقه بیشتر میان مسلمانان را به دنبال آورد. این پژوهش، برآن است به بیان ارتباط میان مبانی اخباری‌گری و گرایش افراطی آن‌ها به اخبار پردازد و در نهایت چند و چون میل اخباریان به جمع‌آوری روایات تحریف به نقیصه را نشان دهد.

۲- مقدمه - اخباریگری و تقسیمات آن

اخباری‌گری، گرایش گروهی خاص از علمای امامی به پیروی از اخبار و روایات ائمّه علیهم‌السلام است؛ در این مشرب، منبع اصلی عقاید و احکام شرعی، احادیث ائمّه علیهم‌السلام بوده و سایر مآخذ، در صورتی قابل استنادند که با روایات معصومان علیهم‌السلام تأیید شوند. در مقابل

اخباریان اصولیان قرار می‌گیرند منابع فقه آنها در مقابل اخباریان، کتاب، سنت، اجماع و عقل است و در صورت شک، به اصول عملیهٔ اربعه (استصحاب، برائت، احتیاط و تخییر) قائل‌اند و مطابق آن‌ها عمل می‌کنند. طبق اعتقاد اصولیان، اخبار به تنهایی پاسخگوی همهٔ نیازهای جامعه، در هر زمان بدون تفریع فروع از اصول، نیست. (بیدآبادی، مدخل اخباریان؛ قیصری، ۲۲۱/۲؛ امین، مدخل اجتهاد) از نظر شیخ انصاری، اخباریان به همهٔ انواع حدیث، اعم از صحیح، موثق، حسن و ضعیف، عمل می‌کنند، بین آن‌ها تفاوتی قائل نمی‌شوند و از همین رو، به آنان اخباری می‌گویند. در مقابل، اصولیان بین انواع خبر، تفاوت قائلند و صرفاً به برخی از آن‌ها عمل می‌کنند. اخباریان میان ادلهٔ چهارگانهٔ استنباط احکام، برای ظواهر قرآن، عقل و اجماع، حجیت قائل نیستند و تنها دلیل معتبر از نظر آنان، اخبار است. از سوی دیگر، اخباریان به احادیث نبوی نیز در صورتی عمل می‌کنند که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده باشد و چنان‌چه از اهل بیت علیهم‌السلام نقل نشده باشند، مورد پذیرش آنان نیست. (استرآبادی، ۴۷) پیدایش اخباریگری به این معنا، به قرن یازدهم برمی‌گردد و موسس آن، محمد امین استرآبادی است. (هاشمی شاهرودی، ۳۰۱/۱) و اخباریان به گروهی از محدثان اطلاق می‌گردد که با تساهل بسیار و براساس مبانی گوناگون نظری و با خوش‌بینی فراوان به روایات معصومان علیهم‌السلام، به جمع آنها همت گماشته و آن‌ها را مبنای نظر و عمل قرار می‌دهند. این گروه، به تعبیر آیت الله معرفت، از هر کسی، هر چیزی را روایت می‌کنند. (معرفت، ۱۰۹ و ۱۵۷)

اخباریان دست کم از دو گروه تشکیل شده‌اند که یکی از آن‌ها کل قرآن را متشابه دانسته، قائل به حجیت ظواهر قرآن نیست و از نظر آنان، همهٔ قرآن باید با روایات، تبیین شود و فهم روایات جز از این رهگذر میسر نیست. ملا محمد امین استرآبادی و سید نعمت‌الله جزایری، در این طیف محسوب می‌شوند و گرایش افراطی را می‌توان در آثار آنان ملاحظه کرد. (دانشنامهٔ جهان اسلام، مدخل اخباریان) برخی دیگر از علمای اخباری، حجیت ظواهر را می‌پذیرند و در قبال پاره‌ای از مبانی نظری اخباریان افراطی، مواضع

دیگری اتخاذ می‌کنند. بر همین اساس، علمایی همچون محمد باقر مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی - که در این طیف قرار می‌گیرند - را برخی اخباری و برخی اصولی دانسته‌اند. (همان) طیف اعتدالی در مقایسه با طیف افراطی، طرفداران بیشتری دارد و در موضوع وقوع تحریف به تقیصه نیز موضع معتدل‌تری از طیف افراطی پذیرفته است. (همان) در یک نگاه تاریخی می‌توان گفت پس از دوران حضور امامان علیهم‌السلام و آغاز غیبت کبری، دو نگرش عمده در دستیابی به احکام شرعی به وجود آمد. یکی به نوعی قائل به استمرار عصر حضور معصوم علیه‌السلام و اتخاذ احکام از طریق احادیث و سخنان معصومان علیهم‌السلام بود که عملاً تفاوتی بنیادین میان عصر حضور و عصر غیبت نمی‌گذاشت. از طرفداران این نگاه، می‌توان به کلینی (م ۳۲۸)، علی بن بابویه قمی (م ۳۲۸) و شیخ صدوق (م ۳۸۱) اشاره کرد. رویکرد دیگر، اجتهاد و استنباط احکام از ظواهر قرآن کریم و ادله چهارگانه بود که شیخ مفید (م ۴۱۳)، سید مرتضی (م ۴۳۶) و شیخ طوسی (م ۴۶۰) از بزرگان این نگرش به شمار می‌روند و در اصول فقه، حرکتی تأثیرگذار بنا نهادند. (هاشمی شاهرودی، ۳۲۷/۱)

محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۳) با تألیف کتاب «الفوائد المدنیة فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقلید» سرآغاز پیدایش مکتب جدید اخباری شد. وی در این کتاب، شیوه استنباط احکام قدما را با اصولیان متأخر، متفاوت دانست و نظر خود را در ادامه نگرش قدما بیان کرد. (استرآبادی، ۹۲) استرآبادی نه تنها در فقه، بلکه در دیگر شاخه‌های علوم دینی نیز اخباری بود؛ چنان‌که می‌گوید: «اگر دانشمندان شیعه، در تدوین سه شاخه فقه، اصول فقه و کلام، دنباله رو حدیث و عترت بودند، قطعاً برایشان بهتر بود.» (استرآبادی، ۳۰) بر همین اساس، اخباریگری، صرفاً رویکردی فقهی نیست که فقط به دنبال استنباط احکام فقهی باشد، بلکه رویکردی خاص در پذیرش اخبار و احادیث در حیطه‌های مختلف اعتقادی، فقهی، تفسیری و... است؛ چنان‌که از نظر اخباریان برای دستیابی به عقاید، اخلاق، احکام شرعی و تفسیر، مراجعه به احادیث ائمه علیهم‌السلام، ضروری است. (فرج آل عمران، ۱۹)

به هر حال، در مسلک اخباریگری، به روش‌های رجالی و اجتهادی علمای متأخر،

خرده‌گیری شده و استدلال عقلی کلامی برای تبیین عقاید به چالش کشیده می‌شود. استرآبادی، به اصولیان شدیداً حمله کرده و تقابل قابل توجهی با آنان در حوزه فقاہت به وجود آورد. (بحرانی، ۱۱۷) وی، نخستین کسی بود که باب طعن بر مجتهدان را باز کرد. (دانشنامه جهان اسلام، ۴۱/۱) استرآبادی ابتدا در زمره مجتهدان بود اما پس از مدتی، تحت تأثیر افکار استادش میرزا محمد استرآبادی، تغییر رویه داد. (همان، ۱۲۰)

۳- مبانی نظری اخباریان افراطی شیعه

اخباریان از مبانی نظری متعددی برخوردارند که اهم آنها به قرار زیر است:

۳-۱. قطعیت صدور همه روایات کتب اربعه شیعه

از نظر مشهور اخباریان افراطی، کتب اربعه شیعه (الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الإستبصار) همگی قطعی‌الصدورند حتی اگر سند آن‌ها بر طبق اصطلاح متأخران، ضعیف باشد. از نظر ملّا محمد امین استرآبادی، نه تنها قطع اجمالی به احادیث کتب اربعه وجود دارد، بلکه از قرائن حالی و مقامی، قطع تفصیلی به تک تک اخبار هم یافت می‌شود. (استرآبادی، ۱۸۴) دلیل ادّعی استرآبادی آن است که مؤلفان کتب اربعه، روایات خود را از منابع معتبر گرفته‌اند؛ چنان‌که فقط شاگردان امام صادق علیه السلام چهارصد اصل را فراهم آورده‌اند که «اصول اربعمائه» نامیده شده‌اند. (علّامه حلّی، ۲۶/۱) استرآبادی بر آن است که اصول چهارصدگانه، معروف به صحّت بوده و شیعه به‌طور قطع و یقین آن‌ها را صحیح می‌دانسته و از همین رو، شیعیان، با آن‌که قادر بودند احکام را از معصومان علیهم السلام اخذ کنند، به این اصول رجوع می‌کردند. (استرآبادی، ۵۶ و ۶۰) عدّه‌ای از اخباریان پا را از این هم فراتر نهاده و علاوه بر کتب اربعه، روایات برخی از کتب مشهور شیعه و همه کتب روایی قدیم شیعه را صحیح و قطعی‌الصدور دانسته‌اند. (کرکی عاملی، ۸۷ و ۸۹)

۲-۳. عدم حجیت ظواهر قرآن

اخباریان، به حجیت ظواهر قرآن، قائل نیستند و تا روایتی از ائمه علیهم السلام در تفسیر آن نداشته باشند، استدلال به آن را جایز نمی‌دانند و به این ترتیب، منبع احکام را فقط اخبار و روایات می‌دانند. درباره تفسیر قرآن هم بر این باورند که همه آیات قرآن، مجمل و متشابه‌اند و از این رو، تفسیر قرآن را جز در پرتو اخبار معصومان علیهم السلام مجاز نمی‌دانند. نعمت الله جزایری می‌گوید که فهم آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (۱۱۲/۱) هم نیاز به روایت دارد؛ زیرا تفاوت بین «واحد» و «احد» را نمی‌دانیم؛ (جزایری، ۱/۳۰۸) حال آن که شیخ طوسی این آیه را محکم می‌داند. (طوسی، ۱/۱۰) اخباریان دلایلی بر عدم حجیت ظواهر قرآن به شرح زیر اقامه کرده‌اند.

۳-۲-۱. اختصاص فهم قرآن به ائمه علیهم السلام

اخباریان، اهل بیت علیهم السلام را مخاطبان واقعی قرآن می‌دانند و فهم قرآن را نیز مختص ائمه علیهم السلام می‌دانند. (استرآبادی، ۱۰۸ و ۱۳۵) برای نمونه، به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد می‌کنند که: «أنا يعرف القرآن من خوطب به» (کلینی، ۳۱۲/۸) مستند دیگر آنان، روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر است که: «ویلک! ما جعل الله ذلك ألبا عند اهل الكتاب الذين انزل عليهم.» (حرّ عاملی، ۱۸/۳۰). شیخ حرّ عاملی نیز بابی را در وسائل الشیعة به این موضوع اختصاص داده‌است. (حرّ عاملی، ۱۸/۱۲۹)

۳-۲-۲. قطعی نبودن ظواهر قرآن

اخباریان معتقدند از آن‌جا که در احکام شرعی باید به حکم شارع، قطع و یقین داشت و آیات و روایات نیز عمل به ظن را نهی کرده‌اند و ظواهر هم فقط افاده ظن می‌کند؛ لاجرم برای اطمینان از آنها باید به ائمه علیهم السلام رجوع شود. زیرا قرآن مشتمل بر عامّ و خاصّ، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین، ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل است و علم این موارد فقط نزد

ائمّه علیهم‌السلام است و از این‌رو؛ ظواهر قرآن حجّیت لازم را ندارند. (حرّعاملی، ۱۵۲/۱۸)

۳-۲-۳. ممنوعیت عمل به متشابهات

اخباریان معتقدند از آنجا که قرآن مشتمل بر محکّمات و متشابهات است به هیچ آیه‌ای از آن نمی‌توان عمل کرد. برای مثال به روایتی از امام صادق علیه‌السلام اشاره می‌کنند که «انّ القرآن فيه محکم و متشابهة؛ فاما المحکم فنؤمن به و نعمل به و ندین به؛ و اما المتشابهة فنؤمن به و لانعمل به و هو قول الله تبارک و تعالی فاما الذین فی قلوبهم زینغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تاویلہ و ما یعلم تاویلہ إلا الله و الراسخون فی العلم» (استرآبادی، ۲۰۳/۳). بر این اساس، از نظر آنان، هیچ آیه‌ای از قرآن، قابل فهم نیست و همه آیات، در زمره متشابهات قرار دارند.

۳-۳. عدم حجّیت روایات نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مگر با تأیید معصومان علیهم‌السلام

اخباریان، حجّیت روایاتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که از طریق غیر معصوم نقل شده باشد، نمی‌پذیرند. از نظر آنان، روایات نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدون تأیید معصومان علیهم‌السلام، همانند ظواهر قرآن، در احکام نظری حجّیت ندارند. استرآبادی می‌گوید: «استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن و ظواهر سنت نبوی جایز نیست، مگر آنکه این دو از طریق بیان اهل ذکر روشن شده باشد.» (استرآبادی، ۴۷) چنان‌که می‌گوید: «روایات نبوی یا باید از طریق اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده‌باشد یا تأییدی از طرف آن‌ها وجود داشته‌باشد. در غیر این صورت، باید در استدلال به روایات نبوی در احکام نظری توقّف و احتیاط کرد. (استرآبادی، ۱۶۵ و ۴۷) وی هم‌چنین می‌گوید: «طبق روایات، سنت نبوی نیز همانند قرآن دارای عامّ و خاصّ، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... است.» (استرآبادی، ۱۲۵) این گزاره‌ها به صراحت بیان می‌کنند که برای فهم روایات نبوی نیز مانند قرآن، باید به معصومان علیهم‌السلام متوسّل شد و بدون توضیح و تبیین معصومان علیهم‌السلام، نمی‌توان از آن‌ها بهره جست.

حال آن‌که ائمه علیهم‌السلام خود گفته‌اند: «اگر اخباری که از ما رسیده‌اند در تعارض با یکدیگر قرار داشتند، افزون بر این‌که آن‌ها را بر قرآن عرضه می‌کنید، بر سنت نبوی نیز عرضه کنید.» (کلینی، ۶۹/۱)؛ چنان‌که در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز مانند روایات نبوی، عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه وجود دارد و اگر بخواهیم مطابق این مبنای نظری اخباریان عمل کنیم، دیگر هیچ مستمسکی برای دستیابی به احکام دین باقی نمی‌ماند. بنابراین، چنانچه احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از طریق موثق رسیده باشد، ولو این‌که از طریق معصومان علیهم‌السلام نباشد، حجّت است. از این‌رو، به قول مجتهدان، مناط حجّت در دلالت الفاظ، ظهور عرفی است، چه علم به آن پیدا کنیم یا ظن. (انصاری، ۱۶۹/۱) و چنان‌چه پس از فحص، چیزی برخلاف ظاهر در میان نباشد، می‌توان به آن عمل کرد.

۳-۴. عدم حجّت دلیل اجماع

از نظر اصولیان شیعه، اتفاق جماعتی را که کاشف از قول و رأی معصوم علیه‌السلام باشد، اجماع گویند. (حرّعاملی، ۴۳۳) اخباریان، اجماع را حجّت نمی‌دانند و آن را بدعت می‌پندارند. استرآبادی بر آن است که اجماع، ساخته و پرداخته اهل سنت است و اگر همه فقها در مسأله‌ای اجماع کنند، باز هم حجّت نخواهد بود؛ زیرا هیچ‌کدام از آن فقها، معصوم نیستند. (استرآبادی، ۵۷)

اخباریان معتقدند اجماع، کاشف از قول معصوم علیه‌السلام نیست، هرچند شمار اجماع‌کنندگان، فراوان باشد. شیخ حرّعاملی در این‌باره، به روایت امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود اشاره می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبل از رحلت به آن‌ها سفارش کرد ولی آنان سپس گفتند: «ما بعد از آن‌که خداوند روح رسول خود را قبض کرد، می‌توانیم در مخالفت با خدا و رسول او به فردی که مردم بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سفارش‌های وی بر او اتفاق کرده‌اند، متمسک شویم.» هیچ کس گمراه‌تر و بی‌پروا تر از کسی که چنین بیندیشد و چنین سخن بگوید، نیست. (حرّعاملی، ۱۰۶/۲۷) بنابراین، از نظر اخباریان، اجماع از سوی عامه ابداع شده و مستندی از کتاب و

سنت ندارد و غیر معتبر و غیر مشروع است. (کاشف الغطاء، ۴۳-۵۱)

۳-۵. عدم حجیت ادله عقلی در استنباط احکام

اخباریان معتقدند که احکام، توقیفی هستند؛ زیرا مبانی آن‌ها صرفاً جعل و اعتبار شارع است که عقل، ابتدائاً و استقلالاً به آن راهی ندارد و از آن‌جا که احکام فقهی اعتباری‌اند، جولانگاه عقل نیستند؛ برخلاف اصولیان که معتقدند دلیل قطعی عقلی همراه با قاعده تلازم می‌تواند کاشف از حکم شرعی باشد. یعنی ابتدا عقل به حسن کاری واقف می‌شود و بعد با همراهی دلیل عقلی دیگر که همان تلازم حکم عقل و شرع است، در می‌یابد که این کار از منظر شارع، حسن است. (مظفر، ۱۱۴/۲)

موضوع عدم حجیت ادله عقلی در استنباط احکام، از اهمیت درخور توجهی در نزد اخباریان برخوردار است. از آن‌جا که اخباریان برای دستیابی به حکم شارع، وجود علم و یقین را لازم می‌دانند، دلیل عقلی غیر قطعی را قبول ندارند. یعنی چنان‌چه حکمی از احکام شرعی، مستند به نقل نباشد و فقط به دلیل عقلی متکی باشد، نتیجه‌ای جز ظن ندارد که از نظر آنان، فاقد اعتبار است. استرآبادی معتقد است دریافت‌های عقل، یا از ضروریات دین و مذهب است که همه دانشمندان اسلامی یا شیعه می‌دانند که آن‌ها در زمره آموزه‌های اسلامی قرار دارند و در اصل آن‌ها اختلافی نیست؛ مانند نماز، زکات و حج که این دریافت‌ها، حجیت دارند؛ یا از ضروریات دین و مذهب نیست و نظری است؛ خواه از اصول دین و یا فروع دین باشد؛ مانند حکمت الهی، حکمت طبیعی، علم کلام، اصول فقه و مسائل فقهی که در این موارد، حکم عقل حجیت ندارد. (استرآبادی، ۱۲۹ و ۱۳۰)

سید نعمت‌الله جزایری می‌گوید: «تنها از دلیل عقلی و بدون دلیل نقلی، برای ما اطمینان حاصل نمی‌شود؛ زیرا ادله عقلی، تمام نیستند؛ تا چه رسد به این‌که بخواهیم به وسیله آن‌ها احکام شرعی را اثبات کنیم.» (جزایری، ۴۰/۴)

اخباریان البته در مورد عقل قطعی، چنین نظری ندارند؛ چنان‌که جزایری معتقد است از

مواردی که عقل به تنهایی بر آن دلالت می‌کند وجوب ردّ ودیعه، قبح ظلم و حسن صدق و انصاف است. (جزایری، ۴۴)

۳-۶. عدم نیاز به علم رجال؛ مگر در تعارض اخبار

اخباریان، روایات کتب اربعه را قطعی‌الصدور می‌دانند؛ افزون بر اینکه برخی از کتب روایی معروف شیعه را نیز در این زمره جای می‌دهند. هم‌چنین خبر، از نظر این گروه یا صحیح است یا ضعیف و از این رو، بررسی سندی روایت و مراجعه به علم رجال برای آنان جایگاه مهمی ندارد. استرآبادی همه احادیث کتب اربعه و کتب رایج میان شیعیان را معتبر می‌داند و می‌گوید: «طرق و اسنادی که در این کتب آمده، فقط برای تبرک و تیمّن و برای دفع سرزنش اهل سنت است تا مبدا روایات شیعیان را بی‌اساس بیندارند.» (استرآبادی، ۵۳) شیخ حرّعاملی نیز پس از آن که طرق خود را نقل می‌کند، می‌گوید: «این طرق را ذکر کردیم نه به خاطر آن که عمل به این روایات، توقّف بر آن طرق داشته‌باشد، بلکه آن را از باب تبرک و تیمّن و متصل شدن سلسله سند به اصحاب عصمت ذکر کرده‌ایم. زیرا آن کتب متواترند و قرائن بر صحت و ثبوت احادیث آن‌ها وجود دارد.» (حرّعاملی، ۴۹/۲۰) وی در وسائل الشیعه از ۱۵۰ کتاب، روایت اخذ کرده‌است و همه آن روایات را صحیح و قطعی‌الصدور می‌داند. (حرّعاملی، ۳۶/۲۰) حویزی پا را از این هم فراتر نهاده، علاوه بر معتبر شمردن همه این کتب، مواردی را که در کتب فقهی بیان شده و گوینده آنها معلوم نیست نیز معتبر دانسته می‌گوید: «ممکن است آن گفتار از حضرت بقیّة الله (عج) باشد و حضرت، آن را در میان علما جا انداخته تا بر خطا اجماع نکنند.» (جزایری، ۲۵)

فیض کاشانی هم در مقدمه الوافی، بر صحت روایات کتب اربعه، صحّه می‌گذارد و بر این باور است که در این منابع، فقط ثقه، از ثقه نقل می‌کند. (فیض کاشانی، ۱۱/۱) میرزا حسین نوری نیز در خاتمه مستدرک الوسائل، اعتبار کتب اربعه و دیگر منابعی را که از آن‌ها روایت کرده، یادآوری می‌کند. (نوری، ۵۳۲/۳) اخباریان با این رویکرد، نیازی به

علم رجال احساس نمی‌کنند؛ زیرا بنا بر اعتقاد آنان در این منابع روایی، ثقه جز از ثقه نقل نمی‌کند و بنابراین روایات کتب اربعه، همه قطعی‌الصدورند.

با این همه، اخباریان، هنگام تعارض اخبار، مراجعه به علم رجال را لازم بر می‌شمارند؛ زیرا در تعارض اخبار، یکی از مرجحات منصوصه در روایات علاجیه، شناخت احوال رجال حدیث ذکر شده است؛ چنان‌چه مرجحی از آن قوی‌تر یافت نشود. (حرّعاملی، ۱۱۲/۲۰) بر همین اساس، برخی از علمای اخباری، آثاری در رجال احادیث تألیف کرده‌اند. مانند کتاب «منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال» که مؤلف آن میرزا محمد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی، استاد محمد امین استرآبادی است. شیخ عبدالله سماهیجی نیز که از اخباریان افراطی به شمار می‌آید، اثری در رجال به نام رجال شیخ عبدالله دارد. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۰ / ۱۲۸)

۳-۷. حرمت اجتهاد و عدم جواز تقلید از غیر معصوم

اخباریان، برای حل مسائل دینی به ویژه در اصول، به استناد به نقل اکتفا می‌کنند؛ بر خلاف مجتهدان که از دلایل عقلی نیز در این حوزه بهره‌مند می‌شوند و خبر واحد را به تنهایی معتبر نمی‌دانند. اصولیان، معتقد به وجوب اجتهادند؛ حال آن‌که اخباریان، اجتهاد را حرام می‌دانند و بر این باورند که احکام شرعی را باید از طریق معصوم علیه السلام دریافت کرد. اصولیان هم‌چنین، عمل به ظن معتبر را صحیح می‌دانند؛ حال آن‌که اخباریان معتقدند فقط به علم قطعی می‌توان عمل کرد و این علم قطعی باید از طریق معصومان علیهم السلام دریافت شود. از نظر اصولیان، همگان به دو گروه مجتهد و مقلد تقسیم می‌شوند؛ اما اخباریان همگان را مقلد معصوم علیه السلام می‌دانند و معتقدند در زمان غیبت نیز موظفند احکام شرعی خود را از امام غایب علیه السلام دریافت کنند. (استرآبادی، ۵۷)

اصولیان بر آنند که فقط مجتهدان آگاه به علوم هم‌چون اصول، فقه، کلام، منطق، ادبیات و ... برای استنباط احکام شرعی، اجازه فتوا دارند؛ اما اخباریان معتقدند عموم افراد

آشنا با مباحث فقهی و ادبیات عرب، می‌توانند احکام شرعی را از منابع دینی استنباط کنند و روایت، برایشان قطع‌آور است. از نظر اخباریان، اجتهاد تخریب دین است و تقلید از غیر معصوم حرام است. (همان)

۴- اخباری‌گری و تحریف به نقیصه

اخباریان مانند عموم مسلمانان تحریف به زیادت را نمی‌پذیرند اما بیشتر آنان به وقوع تنقیص یا تحریف به نقیصه در قرآن معتقدند. اخباری در این زمینه از سوی دسته‌ای از محدثان برجسته متقدم مانند فرات بن ابراهیم کوفی (م ۳۰۰)، علی بن ابراهیم قمی (م قرن ۴)، محمد بن مسعود عیاشی (عیاشی، ۲۴/۱) و احمد بن ابی طالب طبرسی (طبرسی، ۲۲۲/۱-۲۲۸) نیز نقل شده است.

برخی از اخباریان متأخر نیز معتقد به تنقیص قرآن هستند؛ (معرفت، ۱۴۸) گرچه برخی همچون شیخ حرّعاملی منکر این انگاره‌اند. وی می‌گوید: «هر کسی در اخبار و تاریخ و آثار تفحص کند، یقین می‌یابد که قرآن در اعلی درجه تواتر است. هزار نفر از صحابه، حافظ قرآن بودند و آن را نقل می‌کردند و قرآن در زمان پیامبر ﷺ، گردآوری و تألیف گردیده است.» (حرّعاملی، ۲۴۴)

برخی از بزرگان اخباری متأخر که به تنقیص معتقدند، عبارتند از: محمد امین استرآبادی (استرآبادی، ۲۶۸)، عبد العلی حویزی (حویزی، ۱۱۵/۱)، سید هاشم بحرانی (بحرانی، ۶۶/۴)، سید نعمت الله جزایری (جزایری، ۱۳۳/۳) و میرزا حسین نوری سید نعمت الله جزایری معتقد بود که در معارضة دلیل عقلی با نقلی، دلیل نقلی مقدم است. (جزایری، ۱۳۳/۳) وی هم‌چنین می‌گوید: اخبار مستفیض و متواتر بر تحریف به زیادت و نقیصه، دلالت دارد. او معتقد است که تحریف در دو زمان رخ داده‌است. یکی در حیات پیامبر ﷺ و دیگری پس از رحلت آن حضرت که امام علی علیه السلام به جمع قرآن اقدام کرد. این قرآن نزد ائمه علیهم السلام محفوظ بوده‌است و ایشان در نهان، آن را تلاوت می‌کرده‌اند. (جزایری

۶۸-۷۰) جزایری نخستین کسی است که با تمسک به روایات ضعیف، به زعم خود، تحریف قرآن را اثبات کرد تا در پی آن به اثبات عدم حجیت ظواهر قرآن بپردازد. (معرفت، ۹۹) کتاب الانوار النعمانیة یکی از مهم‌ترین کتاب‌های جزایری، آکنده از اخبار و داستان‌های خرافی است. او در این کتاب می‌گوید: «روایات، گویای تحریف قرآن است و از این رو، باید آن را پذیرفت گرچه مخالف عقل رشید باشد.» (جزایری، ۱۳۱/۳).

۴-۱. گذری بر روایات تحریف

میرزا حسین نوری در کتاب «فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب» با گردآوری ۱۱۲۲ روایت در صدد اثبات تحریف قرآن برآمده است. انگیزه اصلی وی از تدوین این کتاب، بنابر قول خود او، دفاع از حیثیت معصومان علیهم‌السلام بوده است. محدث نوری معتقد بود که قطعاً نام معصومان علیهم‌السلام در قرآن، موجود بوده است و تحریف‌گران، آیات مشتمل بر نام معصومان علیهم‌السلام را از آن حذف کرده‌اند. طبق بررسی آیت الله معرفت در صیانة القرآن من التّحریف، ۸۱۵ روایت از این مجموعه از منابع فاقد اعتبار، مجهول و جعلی، اخذ شده‌اند و از ۳۰۷ روایت باقی مانده، ۱۰۷ روایت دربارهٔ اختلاف قرائات و ۲۰۰ روایت دیگر مأخوذ از منابع معتبرند که یا به تحریف معنوی قرآن اشاره دارند و یا اساساً ربطی به تحریف ندارند. این روایات شامل موارد زیرند:

۴-۱-۱. روایات نامعتبر و موضوعه

هشتصد و پانزده روایت کتاب فصل الخطاب از منابع نامعتبر اخذ شده‌اند (معرفت، ۲۰۴) که در سند بسیاری از این روایات، نام احمد بن محمد سیّاری غالی که از نظر رجال شناسان تخطئه شده است، به چشم می‌خورد. (محمّدی، ۵۷/۱-۵۹)

۴-۱-۲. روایات معتبر و صادره با جهت دیگری از نظر فقه الحدیثی

دسته‌ای از روایات تحریف، روایاتی هستند که صحیح و صادره‌اند و در صدد تفسیر و

تأویل آیه بر آمده‌اند. در واقع جهت این روایات، تنزیلی نیست مانند عبارت «فی علی» از معصوم علیه السلام که در تفسیر آیه اکمال آمده است و محدث نوری پنداشته این عبارت از آیه حذف شده است. (مرتضی عاملی، ۱۹۲)

در تفاسیر روایی شیعه، اخبار فراوانی به چشم می‌خورد که آیات قرآن کریم را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و مخالفان آنان تطبیق داده‌اند. در برخی از این روایات، عبارت «نزلت فی علی» یا مشابه آن به کار رفته که ظاهراً افاده سبب نزول می‌کنند؛ حال آن‌که دسته‌ای از این روایات، به بیان پاره‌ای مصادیق خارجی آیه پرداخته‌اند؛ بدون آن‌که بتوان به وجود آن مصادیق، در مفاهیم تفسیری آیه مورد نظر اذعان نمود و بنابراین، باید آن‌ها را در مقام تطبیق آیه بر مصادیق جدید و نشان دادن مقصود حقیقی قرآن برشمرد. لذا، این احادیث، هر چند در صدد بیان معنای الفاظ به نظر می‌رسند اما در حقیقت، به منظور بیان دسته‌ای از مصادیق آیه صادر شده‌اند و در عین حال به آن‌ها اختصاص ندارند. بنابراین، باید مراقب بود که بین تفسیر و جری و تطبیق، خلطی صورت نگیرد. (فقهی‌زاده، ۱۷۷) از این جهت، همسان‌پنداری این روایات با روایات تفسیری و سوء فهم در تعامل با آن‌ها، دو آسیب مهم در پی دارد؛ یکی سوء استفاده‌گالیان و مخالفان و دیگری بی‌اعتنایی و کنار نهادن آن‌ها. (مسعودی، ۲۲۶)

۳-۱-۴. روایات حاکی از وقوع تحریف معنوی

دسته‌ای از روایات، در صدد بیان وقوع تحریف معنوی قرآن برآمده‌اند؛ پدیده‌ای که قطعاً در پیوند با قرآن کریم رخ داده است. از امام صادق علیه السلام در کامل‌الزیارات روایت شده است که: «چون وارد حائر حسینی شدی این جملات را بخوان؛ خدایا برکسانی که تو را تکذیب کردند و کعبه را منهدم و کتاب تو را تحریف کردند لعنت کن.» چنین روایاتی به معنای تحریف و تغییر الفاظ قرآن و اسقاط بعضی از آیات و جملات آن نیست؛ بلکه به معنای دگرگون کردن مفاهیم قرآن و تصرف در تفسیر آن است؛ زیرا تصرف در معانی قرآن

نیز نوعی از تحریف است که به قرآن راه یافته است و دشمنان اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام با این نوع از تحریف توانسته‌اند آیاتی را که در عظمت آنان نازل شده‌اند، به معناهای دیگر و برخلاف واقع تفسیر و تأویل کنند. (خویی، ۲۹۱)

۴-۱-۴. روایات اختلاف قرائات

محدث نوری در فصل دهم کتاب فصل الخطاب درباره قرائات می‌گوید: «قرآن در تمام مراتب خود به یک صورت و بدون دگرگونی نازل شده‌است؛ پس آنچه در وجوه اختلاف در قرائات گفته‌اند، غیر از یک وجه که به صورت ناشناخته و مردّد بین آن‌ها است، با آن چه خداوند نازل کرده تطابق ندارد و این مطلب حاکی از تحریف قرآن است.» (نوری، ۲۰۹-۲۳۳)

علّامه عسکری معتقد است که همه روایات مشتمل بر قرائات خاصّ ائمّه علیهم‌السلام از منابع اهل سنت اخذ و به منابع شیعه وارد شده‌اند. این امر، از دو طریق صورت پذیرفته است؛ یکی از طرف غالیان که با سوء نیت به این حوزه ورود کرده‌اند که مؤثرترین آنان، سیّاری است. (عسکری، ۵۵) مجرای دیگر علمایی است که با حسن نیت موجب ورود این روایات به منابع شیعی شده‌اند و مهم‌ترین آن‌ها شیخ طوسی است که در التّبیان، به نقل قرائات از منابع اهل سنت پرداخته و به برخی از آن‌ها اعتماد کرده‌است. پس از شیخ طوسی، طبرسی، ابوالفتوح رازی و محمد بن مرتضی کاشانی این روش را ادامه دادند. (عسکری، ۲۴۶/۳)

علّامه عسکری در «القرآن الکریم و روایات المدرستین» روایات تحریف فصل الخطاب را بررسی کرده و برخی را از حیث سند و بعضی را از حیث دلالت، مردود دانسته‌است. هم‌چنین آیت‌الله خویی در سه فصل البیان، آیت الله مکارم شیرازی در جلد یازدهم تفسیر نمونه و علّامه سیّد جعفر مرتضی عاملی در «حقائق هائمه حول القرآن الکریم» و گروه دیگری از علمای شیعه در آثار خود، با استناد به ادلّه عقلی و نقلی متعدّد از عدم تحریف قرآن دفاع کرده‌اند؛ حال آن‌که مستند اخباریان در این حوزه، فقط روایت است که بر طبق

مبانی اخباری‌گری با تساهل و تسامح بیشتری آن را می‌پذیرند و بر آن صحه می‌گذارند.

۴-۱-۵. رابطه روایات تحریف با مبانی اخباریان

● از آنجا که اخباریان افراطی همه روایات کتب اربعه را قطعی‌الصدور می‌دانند و برخی کتب مشهور روایی شیعه را نیز صادره و معتبر بر می‌شمارند، دیگر نیازی به موشکافی و مذاقه در روایات آنها، احساس نمی‌کنند. سید نعمت‌الله جزایری معتقد است که پذیرش این نظر که در قرآن تحریفی صورت نپذیرفته، مستلزم کنار گذاشتن اخبار مستفیض و بلکه متواتری است که به صراحت بر وقوع تحریف قرآن مجید دلالت دارند؛ حال آن‌که اصحاب ما بر صحت این احادیث اتفاق نظر داشته‌اند. (جزایری، ۳۵۷/۲) با این نگرش و طرز تلقی و نیز در سایه عدم تمایل اخباریان افراطی به نقد سندی و متنی روایات، بسیاری از روایات ضعیف و حتی معارض با نص صریح آیات و روایات، مانند روایات تحریف به تقیصه، به حوزه تفسیر قرآن وارد شد و مورد توجه قرار گرفت.

● یکی دیگر از مبانی اخباریان، عدم حجیت ظواهر قرآن برای غیر معصومان است. اخباریان افراطی، با این رویکرد، فهم قرآن را مختص معصوم علیه السلام می‌دانند و همه آیات را برای غیر معصومان، متشابه می‌پندارند. به این ترتیب عملاً آیاتی که راجع به آن‌ها تفسیری از معصوم علیه السلام نرسیده باشد، از دایره فهم عموم خارج می‌شوند. به قول کاشف الغطاء، بسیاری از اخباریان، همه آیات را مجمل و متشابه می‌پندارند و اجازه نمی‌دهند بدون روایت، الفضاظی از قرآن تفسیر شود. (کاشف الغطاء، ۱۸۲) افزون بر این، از دیدگاه استرآبادی، قرآن برای عموم مردم به صورت معما نازل شده است و فقط از طریق معصومان علیهم السلام که به همه ابعاد قرآن اشراف دارند، می‌توان مراد خداوند را دریافت. (استرآبادی، ۲۵۴) اخباریان با این طرز تلقی، ناگزیر به صورتی سهل‌انگارانه‌اند در جستجوی روایات‌اند و از این رهگذر، راه ورود بسیاری از روایات ضعیف را به منابع شیعی باز کرده‌اند؛ چنان‌که محدث نوری در فصل الخطاب، روایات تفسیری زیادی از منابع نامعتبر و افرادی مجروح در کتب رجالی نقل کرده است؛ مانند کتاب

قرائات سیّاری، دبستان المذاهب، کیخسرو اسفندیار و تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی. (معرفت، ۱۹۰-۲۰۳)

امام خمینی (ره) دربارهٔ محدث نوری می‌گوید: «صاحب فصل الخطاب کسی است که کتاب‌هایش نه فایدهٔ علمی دارد و نه فایدهٔ عملی؛ بلکه تنها عبارت است از طرح احادیث ضعیف و غیرمعتبر که علما از عمل به آن‌ها اعراض کرده و بزرگان پیشگام و خردمند ما، مانند محمدون ثلاث - رحمهم الله - [یعنی شیخ کلینی، شیخ صدوق، و شیخ طوسی] از نقل آن‌ها دوری جسته‌اند. وضعیّت کتاب‌های روایاتش غالباً چنین است و از دیگر کتاب‌هایش نپرس که مملو است از قصه‌ها و حکایات غریبی که اغلب آن‌ها به شوخی شبیه‌تر است تا جدی. او - رحمه الله - شخص صالح و جستجوگری بود؛ لکن، اشتیاقش به جمع‌آوری روایات غیرمعتبر و مطالب عجیب و غریب و مسائلی که عقل سلیم و فکر درست آن را نمی‌پذیرد، بیشتر از [گردآوری] سخنان نافع بود.» (موسوی خمینی، ۱/۲۴۴ و ۲۴۵)

● عدم حجّیت روایات نبوی بدون تأیید معصومان علیهم‌السلام، یکی دیگر از مبانی نظری اخباریان است. قبول کردن و پایبندی به آن نیز مستلزم ورود خدشه به نبوّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در پی آن، خدشه‌دار شدن امامت ائمهٔ معصوم علیهم‌السلام است. از نظر علّامه طباطبایی، تمسک به اخبار برای اثبات تحریف قرآن مستلزم عدم حجّیت خود آن اخبار است؛ زیرا با تحریف قرآن، دلیلی بر نبوّت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باقی نمی‌ماند؛ چه برسد به امامت امامان علیهم‌السلام و حجّیت اخبار آنان. (طباطبایی، ۱۶۹/۲۱) یعنی حجّیت روایات تحریف مستلزم سقوط این روایات است؛ زیرا حجّیت این روایات بنابر امامت ائمه علیهم‌السلام است و حجّیت قول و امامت آنان متوقف بر نبوّت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حجّیت قول ایشان است که با نصوص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامت ائمه علیهم‌السلام و حجّیت آن‌ها ثابت می‌شود هم‌چنین نبوّت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حجّیت قول حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز متوقف بر حجّیت ظواهر آیات قرآنی است که دلیل نبوّت و حجّیت قول ایشان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد. به هر حال، با فرض وقوع تحریف در قرآن، ظواهر آن از حجّیت ساقط خواهد شد؛ بنابراین، نبوّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حجّیت قول ایشان هم دلیلی نخواهد داشت و لازمهٔ

آن، سقوط حجیت قول امام علیه السلام و لازمه آن هم، سقوط حجیت اخبار تحریف خواهد بود؛ پس لازمه حجیت اخبار تحریف، عدم حجیت آن‌ها است. (طباطبایی، ۲۲۲-۲۲۴)

۵- نتایج مقاله

۱. با توجه به اعتقاد اخباریان مبنی بر قطعی‌الصدور بودن همه روایات کتب اربعه، طبیعی است که روایات ضعیف فراوانی مانند روایات تحریف به نقیصه به مثابه روایات معتبر به آثار آنان وارد شود و مورد قبول آنان واقع گردد.
۲. عدم حجیت ظواهر قرآن، برای غیر معصوم، یکی دیگر از مبانی نظری اخباریان است و بر طبق آن، برای فهم قرآن - که کلاً مجمل و متشابه است - باید حتماً و به صورت انحصاری به روایات، متوسل شد؛ آنان بر این اساس، به منابع روایی و روایات ضعیف و نامعتبر نیز از جمله روایات تحریف به نقیصه، اعتماد کرده‌اند.
۳. اخباریان با پذیرش روایات ضعیف، خلط تفسیر، تأویل و جری و تطبیق و نیز عدم اعمال قواعد علم‌الحدیثی و فقه‌الحدیثی به روایات وقوع تحریف به نقیصه در قرآن روی آورده‌اند و آنها را تلقی به قبول کرده‌اند.
۴. یکی از پیامدهای اعتقاد اخباریان مبنی بر وقوع تحریف به نقیصه در قرآن، بی‌اعتمادی به آن است که در نتیجه، قرآن از حجیت ساقط خواهد شد؛ حال آن‌که وجوب تبعیت از قرآن و عترت به صورت همزمان، به تصریح حدیث ثقلین، تا قیامت پابرجا است.
۵. عدم حجیت روایات نبوی صلی الله علیه و آله مگر با تأیید معصومان علیهم السلام نیز موجب آن است که روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از حیث انتفاع، خارج بدانیم و در نتیجه، آن‌ها را مبنای نظر و عمل قرار ندهیم که بطلان آن واضح است و جای نفی و انکار ندارد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آل عمران، فرج، الاصولیون و الاخباریون فرقة واحدة، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الاعتقادات، تحقیق عاصم عبد السید، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۴. همو، الخصال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۵. استرآبادی، محمدامین، الفوائد المدنیة فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقليد، قم، دارالنشر لاهل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.
۶. انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم، لجنة تراث الشیخ الانصاری، ۱۴۱۹ ق.
۷. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
۸. بحرانی، یوسف، الدرر النجفیة، بیروت، شرکت دارالمصطفی لاحیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۹. همو، لؤلؤة البحرین فی الإجازة لقرتی العین، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، قم، موسسه آل البيت، بی تا.
۱۰. بیدآبادی، آقا محمد، مدخل اخباریان، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۱. بهشتی، ابراهیم، اخباری گری (تاریخ و عقاید)، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. جزایری، سید نعمت الله، الأنوار النعمانیة فی معرفة انشاء الإنسانیة، مقدمه محمد علی قاضی طباطبایی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۲ ق.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهممة فی اصول الأئمة علیهم السلام، تحقیق محمد قائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیهم السلام، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. همو، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. خسرویناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار خوبی، ۱۴۲۴ ق.
۱۷. رازی، ابوالفتوح، روح الجنان و روض الجنان، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲ ش.
۱۸. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بی جا، دارالعرفه، بی تا.
۱۹. سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح و تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمیة الإسلامیة، ۱۳۸۰ ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. همو، اسلام و انسان معاصر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، قم، اسماعیلیان، بی تا.
۲۵. عاملی، جعفر مرتضی، حقائق هامة حول القرآن الکریم، بیروت: دارالصفوة، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. عروسی حویزی، عبدالعلی، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲۷. عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، مجمع علمی اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الإمامیة، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۳۰. همو، المسائل السرویة، تحقیق عبد الحمید صائب، قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. همو، اوائل المقالات (سلسله مؤلفات الشیخ المفید)، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

۳۲. فقهی‌زاده، عبدالهادی، درآمدی بر تفسیر قرآن، تهران، تلاوت، ۱۳۹۱ ش.
۳۳. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، تحقیق ضیاء الدین حسینی، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۳۴. همو، الحق المبین، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰ ق.
۳۵. قمی، غلامرضا، قلائد الفرائد، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۳۶. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، الحق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الأخباریین، تهران، ۱۳۱۹ ق.
۳۷. همو، عن خفیات مبهمات الشریعة الغراء، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.
۳۸. کرکی عاملی، حسین، هدایة الأبرار إلى طریق الأئمة الأطهار، تصحیح رؤوف جمال‌الدین، نجف، ۱۳۹۶ ق.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، اعتقادات، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان، ۱۳۸۷ ش.
۴۱. محمدی، فتح‌الله، سلامة القرآن من التحریف و تنفیذ الأفتراءات علی السیعة الامامیة، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۸ ش.
۴۲. همو، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. همو، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تحقیق سید مهدی روحانی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۴۴. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح کتاب من لایحضره الفقیه، بنیاد فرهنگي اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴۵. مسعودی، عبدالهادی، آسیب شناخت حدیث، قم، زائر، ۱۳۸۹ ش.
۴۶. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۴۷. معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن الکریم من التحریف، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۰ ق.
۴۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله، انوار الهدایة فی التعلقة علی الکفایة، تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲ ش.
۴۹. نوری، میرزا حسین، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، نجف، چاپ سنگی، ۱۲۹۸ ق.
۵۰. همو، مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل‌ال‌بیت، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت، ۱۴۱۵ ق.
۵۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، تهران، انتشارات مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.